



مشق «سیا»!

که در این قرن شگفت
من و تو زودتر و دیرتر از نوبت خویش
به جهان آمده‌ایم

ما به عنوان طرفداران دموکراسی، راهپیمایی ۲۲ بهمن را تحریم می‌کنیم. در ضمن به پیشخدمت‌های نو قلم سازمان سیا یادآور می‌شویم «فدرالیسم» هیچ ارتباطی با دموکراسی ندارد. به عبارت دیگر سگ‌های سیرک عمو سام کور خوانده‌اند؛ فدرالیسم برای تحقق دموکراسی الزامی نیست. روشن‌تر بگوئیم، گروه برژینسکی می‌باید آرزوی تجزیه ایران را از سر به در کند.



خوشبختانه دو جناح کاذب در حکومت جمکران برای به راه انداختن کاروان باشکوه خردجال ۲۲ بهمن به اجماع رسیده‌اند، و قرار شده لباس شخصی‌ها و طرفداران مهرورزی نیز با همان تکه پارچه سبز در مراسم سالروز کودتا شرکت کرده، سیل بنیان‌کن «مردمی» به راه اندازند! همچنین ممکن است برای حقنه کردن کودتای نوین ۲۲ بهمن شاهد چند چشمه درگیری پادگانی هم باشیم تا شبیه‌سازی کودتای ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تکمیل شود. برای فعله فاشیسم متأسفانه چرا که امروز در این روند فریبکارانه «شبیه‌سازی» گذشته، عامل اصلی، یعنی شاپور بختیار، در مقام مدافع دموکراسی «غایب» است. در نتیجه پادوهای آنگلساکسون‌ها با

«شاه‌سازی» از علی‌خامنه‌ای و ادعای ابلهانه «طرفداری سپاه پاسداران از مهرورزی و رهبری» راه به جایی نخواهند برد. فرماندهان خائن سپاه پاسداران دست در دست خامنه‌ای و میرحسین موسوی از کودتای ۲۳ خردادماه گذشته حمایت کرده بودند. بارها گفته‌ایم، بازهم تکرار می‌کنیم، کل حکومت جمکران با حمایت آنگلساکسون‌ها برای کودتا خیز برداشته بود. به همین دلیل است که ۸ ماه پس از این «شبه انتخابات» احمقانه، هنوز آشوب و سرکوب بر ملت ایران تحمیل می‌شود تا آنگلساکسون‌ها بتوانند «یک انتخابات



مردمی» همچون انتخابات «مصدقی» مجلس هفدهم به ملت ایران تحمیل کنند. به همین دلیل است که خشونت‌طلبان «جنبش سبز» واژگان اسلامی را رها کرده، به واژگان جادوئی «آزادی»، «عدالت»، و ... متوسل شده‌اند.

پس از شکست جبهه «بازگشت به صدرانقلاب»، جنبش مزور سبز برای فریب مردم و «سربازگیری» اینک به کلیدواژه‌های جادوئی «آزادی»، «عدالت»، «انتخابات آزاد»، «استقلال»، «حاکمیت مردم» و ... متوسل شده. واژه‌های مبهمی که همچون «حاکمیت مردم» با «دمکراسی» در تضاد کامل قرار خواهد گرفت. «دمکراسی»، حاکمیت «قوانین انسان‌محور» بر مردم است، قوانینی که چارچوب همه آزادی‌های فردی و اجتماعی را مشخص می‌کند و به آن‌ها در مسیر حقوقی امکان تحقق داده، آزادی‌های انسان را در زمینه فرهنگی، اجتماعی، هنری و ... مورد حمایت و تشویق قرار می‌دهد. این قوانین فاقد ابهام است.

ولی در پوچ‌گوئی‌های جنبش سبز، برای گسترش «اجماع» با هدف تأمین منافع استعماری لازم آمده تا «ابهام» هر چه بیشتر گسترش یابد. در این راستا لوطی و عنتر و پاسداران استعمار، «دمکراسی» را نیز به شعارهای شان افزوده‌اند تا شوت‌وپرت‌ها را به حضور در راهپیمائی ۲۲ بهمن تشویق کنند! به همین جهت «بی‌بی‌سی» هم برای شرکت در راهپیمائی ۲۲ بهمن سالجاری فراخوان می‌دهد، چرا که در این روز

فرخنده همه چماقداران و لباس‌شخصی‌های حکومت با «نماد سبز» در راهپیمائی کذا شرکت خواهند کرد. و اگر قادر متعال یاری کند، گروه‌های ضربت «امنیتی - نظامی» چند مورد درگیری مسلحانه در پادگان‌ها سازمان خواهند داد تا همان نمایش مهوع کودتای ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ را یکبار دیگر تحت عنوان، پیروزی «جنبش سبز» به ملت ایران حقه کنند. حتی ممکن است دولت مهرورزی هم از طرفداران خود بخواهد با همان تکه پارچه سبز در راهپیمائی شرکت کنند، در اینصورت پرواضح است که همان «انقلاب» یکبار دیگر به «پیروزی» خواهد رسید!

در واقع بجای «الگو برداری» از رقیب حامد کرزای، سازمان سیا و «تینک‌تنک‌های» صحرای کربلا به این نتیجه رسیده‌اند که «بازگشت به گذشته»، یعنی بازگشت به «صدر انقلاب نورانی» امام روشن ضمیر با توسل به شعار «دمکراسی» خیلی بهتر است، و باید از همان الگوی کودتای ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ یعنی «تجمع مردم» در خیابان بهره‌برداری کنند. پس از چند شبانه روز «برین سستورمینگ» فشرده که به طوفان برف در شرق ایالات متحد منجر شد، مصلحت سازمان سیا بر این قرار گرفته که همزمان با ارسال فعله فاشیسم به خیابان‌های تهران از لباس‌شخصی، تحکیم وحدت و چماقدار و تیغ‌کش یکبار دیگر شانس خود را برای ایجاد درگیری در پادگان‌های نظامی بیازماید.

۳۱ سال پیش در چنین روزهایی، پروپاگاندا استعماری در داخل و خارج مرزهای ایران چنین وانمود می‌کرد



که «غرب» و «ارتش» از دولت قانونی بختیار حمایت می‌کنند. از سوی دیگر، کیهان، شیپور جاودان هریتیج کلاب، از زبان فرماندهان خائن همین ارتش دولت بختیار را به کودتا تهدید می‌کرد و ... و البته «خواست مردم» هم که جایگاه مقدس خود را داشت! «مردمی» که جز مبهمات و پوچیاتی از قماش «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» هیچ نمی‌خواستند و برای دستیابی به این سراب آماده مرگ بودند. و اتفاقاً به همین دلیل است که «خواست مردم» برای آنگلو ساکسون‌ها اینهمه از اهمیت برخوردار می‌شود. و به همین دلیل است که همه شنگول و منگول‌های «ترانس ژنیک» سازمان سیا به ستایش مرگ نشسته‌اند. سایت «روزآنلاین» مطلبی در ستایش مرگ به قلم شیوای «لیلی پورزند»، فرزند دلبند مهرانگیز کار منتشر کرده تا دکان مرگ‌فروشی کساد نماند. مهرانگیز کار از پامنبری‌های اکبر بهرمانی است که «وظیفه مقدس» خود را گویا به فرزند دلبندش محول کرده؛ همچنانکه پیشتر هم گفته بودیم، مزدوری پیشه‌ای است موروئی!

باری لیلی پورزند یک «مشق سیاه» نوشته، که در آن بدون کوچک‌ترین انتقادی از خمینی دجال یا حاج‌اکبر و شرکاء، زبان به انتقاد از اعدام و شکنجه و همه خشونت‌ها می‌گشاید، و در انتهای همین «مشق سیاه»، ویراست نوینی از شعارهای خشونت طلبانه خمینی ارائه داده، در کمال حماقت تأکید می‌کند، «ایرانیان دیگر از خشونت‌ها متأثر هم نمی‌شوند و با لبخند به استقبال مرگ می‌روند، چرا که در راه حق قیام کرده و آزادی می‌خواهند.» خلاصه «لیلی جون» با هوش سرشارشان همان شعار عزاداران حسینی یعنی، «کل یوم عاشورا و

کل ارض کربلا» را به فارسی ترجمه کرده و جهت توجیه حماقت و مرگ‌پرستی یک «سبز» هم به آن افزوده. به این ترتیب همه ایرانیان در ترادف با «حسین» قرار می‌گیرند، در نتیجه ایران هم «کربلا» شده، و می‌دانیم که طبق بی‌بی‌گوزک‌های شیعیان، پرچم حسین «سبز» بوده و به همین دلیل پرچم میرحسین هم «سبز» شده! ولی آن یکی سبز اسطوره و «بی‌بی‌گوزک» مقدس است، و این یکی سبز سازمان مقدس «سیا»:

«ایرانیان سی سال خون دادند و خون گریستند، امروز خون می‌دهند ولی خون گریه نمی‌کنند [...] آنان دیگر اعدام و مرگ و زندان و شکنجه در راه آزادی و اندیشه را در خفا ضجه نمی‌زنند بلکه آن را در مقابل چشم جهانیان با افتخار فریاد می‌کنند. امروز مردم ایران به یک صدا آزادی را مطالبه می‌کنند [...]»

بله می‌بینیم که آندسته از «ایرانیان» که این مشق سیاه به آنان ارجاع می‌کند، دمکراسی را به عنوان «ضامن آزادی‌ها» مطالبه نمی‌کنند، بلکه «آزادی» مبهمی را می‌طلبند که فقط آزادی عمل فاشیست‌ها را تضمین خواهد کرد. همچنانکه شعار «استقلال، آزادی ...» در واقع برای آزادی‌ستیزان اسلام‌فروش، در مسیر سرکوب ملت ایران استقلال و آزادی به ارمغان آورد. خلاصه لیلی پورزند هم در همین دکان دین‌فروشی مشق می‌نویسد. ایشان ابتدا به سرکوب مردم به نام پروردگار اعتراض می‌فرمایند سپس، جنبش سبز مطلوب‌شان را یواشکی به همین دین اسلام می‌چسبانند. در ادامه مشق «سیا»، چنین آمده



که اصالت «جنبش سبز» به درازنای «تاریخ» است! و چقدر هم عجیب است! ما می‌پنداشتیم جنبش کذا از ۲۳ خرداد آغاز شده، نگو این جنبش همان انقلاب اسلامی «پیامبر» خاتم‌الانبیاء در صحرای حجاز است که بعدها وارد کربلا شد، تا با «اسلام سیاه» جنگ کند! و خلاصه مطلب، پورزند همان مزخرفات آخوند کدیور و بسیاری آخوندها و آخوندک‌ها را در برابر مخاطبین با اشتهای فراوان «بازنشخوار» می‌کند. روشن‌تر بگوئیم ایشان نوع مونث آخوند کدیور هستند؛ با روژلب و موی مش کرده! می‌دانم که این تصویر مضحک می‌نماید، ولی «مشق سیا» از این تصویر به مراتب مضحک‌تر است.

خلاصه ثقه‌الاسلام «لیلی» ادعا می‌کند، مردم ایران از جور جوخه‌های «اعدام سی‌ساله»، و نه ۳۱ ساله، سبز شده و جوانه زده‌اند، در نتیجه با مرگ بیگانه‌اند ولی مثل حسین مظلوم «حق» را می‌طلبند و مثل همان حضرت در راه حق و آزادی شهید جاودان خواهند شد! عجیب است که این «مردم» با مرگ کاری ندارند، اما پای در مسیر مرگ‌پرستی و شورش حسین اسطوره‌ها می‌گذارند و در سنگر «حق» وی لنگر می‌اندازند. باری لیلی پورزند در هم‌سوئی کامل با حاج فرخ نگهدار، خمینی دجال و دکان‌داران «تحکیم وحدت» در واقع می‌گوید، «بکشید ما، را اسلام زنده می‌شود»:

«جنبش سبز مردم ایران اصالتی به عمر تاریخ دارد. مردم ایران از جور جوخه‌های اعدام سی‌ساله، امروز سبز شده‌اند [...] سبزینه‌های این جنبش [...] با برپایی دوباره جوخه‌های اعدام خشکانده نمی‌شود [...] این جوانه‌ها [...] بر روی همان جوخه‌های سرد روییده [...] مردم ایران [...] را با مرگ کاری نیست [...] حق را می‌طلبند، پس پیروزند. مردم

ایران آزادی را فریاد می‌کنند، پس سربلند و پایدارند. مردم ایران در تاریخ، سبز و زنده و جاودان می‌مانند.»

این روضه امام حسین به زبان فارسی و «میداین یو. اس» است. این مزخرفات بازتولید همان مزخرفاتی است که دهه‌هاست از زبان آخوندجماعت و تحت نظر ساواک به خورد جوانان ایران داده شده، تا «مرگ‌پرستی» و «تحمل خشونت» را به عنوان «ارزش» بپذیرند. همان مزخرفاتی که، خون را بر شمشیر پیروز می‌انگارد، و مرگ در راه «حق» را پیروزی می‌نمایاند؛ حتی سردادن شعار «آزادی»، آنهم به معنای بازگذاشتن دست سرکوبگران ملت ایران را مایه سربلندی و جاودانگی معرفی می‌کند.

حال ببینیم این «پروپاگاندا» گله‌پرستی و خشونت‌ستائی و مرگ‌دوستی و «حذف مخالف» اصلاً چه می‌گوید؟ می‌گوید جوخه‌های اعدام در برابر مردم ایران قرار گرفتند؛ مردم «سبز» شدند، و از مرگ نمی‌هراسند و «حق» هم با «مردم» است. می‌گوید جنبش سبز «حق» است، پس مخالفان آن به خودی خود «باطل» خواهند بود. این است ریشه فاشیسم در نظریه‌پردازی جنبش سبز. این «جریان» استعماری و ضدایرانی می‌گوید، مردم ایران «حق» می‌طلبند، پس همه ایرانیان طرفدار جنبش سبز به شمار می‌روند! به عبارت دیگر، هر کس با جنبش سبز مخالف باشد، طرفدار «جوخه‌های اعدام» خواهد بود. البته به عقیده ما «شیخ» لیلی پورزند در مشق «سیا» دو عامل مهم را از قلم انداخته، نخست «خلخال آن زن یهودی»، که از آن می‌توان توحشی به نام «مردم‌سالاری دینی» استخراج کرد. و عامل دیگر ورشکستگی نانخورهای اکبربهرمانی در ینگه دنیا است



که دیگر نمی‌توانند شعارهای پوسیده آخوند جماعت را اینبار با موه‌های رنگ‌کرده و در ویراست «مهاجران خوشبخت» ینگه‌دنیائی به ملت ایران بفروشند. باید به اربابان حکومت اسلامی و عمله و اکره‌اش در غرب تفهیم شود که در آینده سیاسی ملت ایران جایی برای حق و باطل وجود ندارد. ملت ایران «حقوق انسانی» خود را مطالبه می‌کند و این حقوق هیچ ارتباطی با مبهمات نظیر اسلام، جنبش سبز و رنگ «نبوی» و «رحمانی» و این قماش مزخرفات نخواهد داشت. ملت ایران نه «امت» است، نه «مردم»! حال بازگردیم به فراخوان «بی‌بی‌سی» در حمایت از میرحسین موسوی.

شیپور حاکمیت بریتانیا در مطلبی تحت عنوان، «موسوی و کرویسی از معترضان چه می‌خواهند»، تمام شعارهای پوچ این‌دو را در بوق می‌گذارد و نهایت امر می‌گوید، روز ۲۲ بهمن «مردم» برای مطالبه «حقوق قانونی» خود، خواهان «آزادی زندانیان سیاسی» نیز خواهند شد. می‌دانیم که حقوق قانونی «مردم» در چارچوب قانون اساسی جمکران یعنی حقوق بندگان مؤمن، به عبارت دیگر یعنی کَشک. همچنین می‌دانیم که طاعون سبز فقط خواهان آزادی خودی‌هاست و با زندانیان سیاسی غیرخودی هیچ کاری ندارد. همانطور که دیدیم دو تن از این غیرخودی‌ها را جدیداً اعدام کردند، تا با وصل کردن این اعدام‌ها به جریان سبز مردم را جری‌تر کنند؛ در حالیکه طرفداران «متدین» موسوی و کرویسی نه تنها اعدام نمی‌شوند، که هنوز بسیاری از مناصب رسمی را هم در اختیار دارند. مسلماً به اراده الهی!

بی‌بی‌سی، همچنین به نقل از موسوی تأکید می‌کند که «مردم متدین» از مخالفان قانون اساسی هیچ دل‌خوشی ندارند و بهتر است همه مثل بچه‌های خوب در چارچوب توحش «قانون

اساسی» جمکران شعار بدهند، تا وقتی که موسوی بر تخت «خلافت» بنشیند و قانون اساسی را هم «تغییر» دهد! اگر «مردم متدین» طرفدار قانون اساسی هستند، پس میرحسین موسوی که مطیع خواست گله‌های مردمی است دلیلی ندارد تغییری در قانون اساسی بدهد! از قدیم گفته‌اند، «سری که درد نمی‌کند دس‌تمال نمی‌بندند.» همچنین می‌دانیم که اصولاً «حق» با «مردم» است! از این گذشته، اهالی بی‌بی‌سی گویا فراموش کرده‌اند که صرف تغییر قانون اساسی معنائی ندارد! همچنانکه تغییر قانون اساسی در دوره خمینی فقط توحش و خشونت را در کشور گسترش داد. میرحسین موسوی هم هدفی جز عوامفریبی و ایجاد اجماع گسترده ندارد و به همین دلیل است که طی ۸ ماه، بجای ارائه یک برنامه منسجم اقتصادی، فقط بر ابهام دامن زده، و مزخرفاتی کرده. ایشان همچون دیگر عمله فاشیسم آینده را در بازگشت به گذشته می‌بیند، آنهم گذشته سرشار از توحش و قانون‌شکنی امام روشن‌ضمیرش. بنابراین ما توصیه می‌کنیم که بی‌بی‌سی و موسوی و دیگر «سبزها» تغییرات در قانون اساسی را فعلاً در کوزه گذاشته آتش را میل فرمایند، و سخنان امام روشن‌ضمیرشان را آویزه گوش کنند که در کشف‌الاسرار می‌گوید:

«هزاران سال دولت‌ها می‌خواستند حزب درست کنند و مردم نمی‌گذاشتند تا اینکه دولت‌ها بر علیه ملت‌هایشان انقلاب‌های مشروطه یا جمهوری بر پا کردند و این حزب‌ها را درست کردند.»

منبع: وبلاگ رامین مولائی

بوق حاکمیت بریتانیا با تکرار مطالبات مضحک موسوی و کرویسی، اینان را مدافعان آزادی بیان معرفی می‌کند، بدون



اینکه تحلیلی از مطالبات‌شان ارائه دهد! گزارش بی‌بی‌سی نشان می‌دهد که بیانیه‌های گنگ و مبهم شنگول و منگول «ترانس ژنیک» سازمان سیا، یعنی موسوی و کروبی مورد تأیید کامل تفنگ‌فروش‌های دو سوی آتلانتیک است. به گفته بی‌بی‌سی، بهترین رویکرد برای تأمین مطالبات این است که در چارچوب قانون اساسی قرار گیرد! البته نمی‌گوید به چه دلیل! ولی دلیل را ما می‌دانیم، اربابان حکومت اسلامی می‌خواهند پیرامون قانون توحش ایجاد «اجماع» کنند. چرا که اجماع پیرامون «ابهام» کارساز سیاست استعماری است و کروبی و موسوی هم از جمله پیشخدمت‌های دستگاه استعماراند. پس در بوق‌های استعماری «حق» همیشه با آن‌ها خواهد بود، چرا که با تناقض‌گویی منافع اربابان‌شان را تأمین می‌کنند.

«آقای موسوی و آقای کروبی [...] از معترضان می‌خواهند که مطالبات خود را در چارچوب قانون اساسی نگاه دارند [...] این بهترین رویکرد برای به ثمر رساندن اعتراضات است [...]»

به ثمر رسیده اعتراضات یعنی «سرکوب» بیشتر ملت ایران. موسوی می‌گوید که به یک اجماع گسترده نیاز داریم، و به همین دلیل شعار در مخالفت با قانون اساسی مورد تأیید «مردم متدین» و «نهادهای سنتی» نیست. به عبارت دیگر برای تأمین مطالبات «مردم متدین» است که آنگلساکسون‌ها محتاج به این اجماع گسترده شده و «نیاز» خود را در بی‌بی‌سی منتشر می‌کنند:

«آقای موسوی [گفت] بدون ایجاد اجماع نباید منتظر یک تحول اساسی و معنادار باشیم، برای همین بعضی از شعارهای معطوف به عبور از قانون اساسی مورد سوءظن مردم متدین و نهادهای سنتی است [...]»

متن مصاحبه موسوی و بیانیه کروبی را در وبلاگ‌های پیشین بررسی کرده‌ایم، تکرار مکررات نخواهیم کرد فقط یادآور می‌شویم، مدافعان «مقدسات» به هیچ عنوان نمی‌توانند خواهان «آزادی بیان» باشند. اظهارات کروبی و موسوی در دفاع از آزادی مطبوعات فقط یک شارلاتانیسم سیاسی است، از نوع «آزادیخواهی‌های» روح‌الله خمینی و خاتمی! «آزادی بیان» ویژگی انسانی دارد، و در اعتقادات کسانی که انسان را «بنده» و «متدین» می‌خواهند، انسان و «آزادی بیان» انسان که فراسوی حق و باطل قرار می‌گیرد، وجود خارجی نخواهد داشت. پس اهالی «بی‌بی‌سی» بجای فوت کردن بی‌نتیجه در آستین پاره موسوی مفلوک بهتر است به ما توضیح دهند، به چه دلیل «عدم رعایت قانون اساسی» و به رسمیت نشناختن «حق حاکمیت مردم» طی سه دهه به ابطال این قانون بی‌سروته منجر نشده؟ طی سه دهه گذشته که این «یاسای سازمان سیا»، حتی در یک مورد هم اجرا نشد، موسوی در غار اصحاب کهف خوابیده بود، یا این موسوی، همانطور که پیشتر گفتیم از بزغاله‌های «تراسن ژنیک» سازمان سیاست که همین چند روز پیش در آزمایشگاه «مقدس» تولید شده:

«[وی افزود] قانون اساسی را وحی منزل نمی‌داند و هشدار داد [...] عدم رعایت حقوق اساسی مردم که در قانون اساسی آمده است و هم چنین به رسمیت نشناختن حاکمیت مردم بر سرنوشت خود به ابطال این میثاق ارزشمند ملی خواهد انجامید.»

بله! این سخنان را پیوندگ...ز به شقیقه خوانند! اولاً هیچ قانونی «وحی» نشده که قانون اساسی جمران



«وحی» دوم باشد. مهملاتی که امروز در باب «ده فرمان» به عنوان «نخستین قانون بشریت» از طرف روشنفکر نمایان ینگه‌دنیانشین به خوردمان می‌دهند، ساخته‌وپرداخته‌ سگ‌های سیرک عموسام است. «قوانین حمورابی» بر «ده فرمان» تقدم دارد، اوهم نیست و از «تاریخیات» نیز برخوردار است. ثانیاً ملت ایران سه دهه سرکوب را تحمل نکرده که امروز یک جنایتکار وابسته به حکومت دست‌نشانده اسلامی در مبهم‌پردازی‌های‌اش واژه «مردم» را بجای «امت» بگذارد و بخواهد شیره سازمان سیا را از نو بر سر ملت ایران بمالد. این عمل را جایگزینی یک ابهام با ابهام دیگر خوانند. ابهام «امت» در زبان خمینی دجال همان ابهامی است که امروز در زبان پیروان خط توحش «مردم» نام گرفته، و هر چه باشد، «مبهم» و انسان‌ستیز باقی خواهد ماند!

من از آن اوج [...]

نظر افکندم و دیدم که تفاوت ز کجا تا به کجاست
تو هم ای دوست درین فاصله حیران بودی
[...]

تو درین خانه نشناخته مهمان بودی
گرچه از سوی دگر وارث شاهان سپهر
یعنی از طایفه بی‌مرگان
یعنی از سلسله قاف نشینان بودی
(نادر نادرپور)

۳۱ سال پیش در چنین روزهایی، شاپور بختیار می‌گفت و باز می‌گفت، اگر سلطنت را نمی‌خواهید با تشکیل مجلس مؤسسان می‌توان سلطنت را به یک جمهوری سوسیال دمکرات تبدیل کرد. بختیار می‌گفت، من مدافع آزادی بیان هستم، اما با خشونت به نام آزادی مخالفام. آنچه آقای خمینی می‌خواهد یک دیکتاتوری است که می‌تواند از دیکتاتوری قدیم هم مهیب‌تر باشد.

امروز پس از گذشت ۳۱ سال، همان شیپورهای استعماری که خمینی را به رهبر کبیر انقلاب تبدیل کرد، با کوفتن بر طبل توحش «حق مردم» و «حاکمیت مردم» می‌خواهد با تظاهرات خیابانی و وحشیگری یک بار دیگر در خیابان برای ملت ایران دولت تعیین کند.

